1-Review

Context

مي شه په لطفي در حق من بکني؟ عجله دارم.

Could you do me a favor? I am in hurry.

در خدمتتونم ، چیکار براتون انجام بدم.

I am at your service, what shall do for you?

نامه ها رو تایپ کردم، می شه این نامه ها رو برسونید بدست همکارم توی اداره؟

I have typed the letters, could you take these letters over to my colleague in the office?

تا حالا نديدمش.

I have never seen him.

نمی دونم کجا کار می کنه؟

I don't know where he works?

می دونی چی برات خریدم؟

Do you know what I have bought for you?

دو ساعته دنبال ضبطم می گردم، می دونی مادرم اون رو کجا گذاشته؟

I have been looking for my recorder for 2 hours; do you know where my mother has put it?

می شه بهم بگی یدرت کی می خواد <mark>مهمونی بگیره؟</mark>

Could you tell me when your father is gonna take this party?

می شه یه خواهشی ازت بکنم؟

Can I ask you a favor?

کار مهمی برام پیش اومده، مجبورم جلسه رو کنسل کنم.

Something important has come up to me, I gotta cancel the meeting.

می شه این فایل رو به رییس هیأت مدیره شرکت برسونی؟

Could you take this file over to the chairman of company?

با کمال میل، اما نمی دونم کجا نشسته ۲

By all means, but I don't know where he is sitting?

مادرت می دونه چرا شام خوردم؟

Does your mother know why I have eaten dinner?

مطمئنم نمى تونى تشخيصش بدى.

I am sure you can't recognize him.

صورتش سوزانده شده.

His face has been burnt.

نمی دونم چرا مادرم رو دعوت نکردی؟

I don't know why you haven't invited my mother?

می شه یه لطفی در حقم بکنی؟

Could you do me a favor?

می شه این ضبط رو برسونی به برادرم توی اداره؟

Could you take this recorder over to my brother in the office?

با کمال میل، اما نمی دونم چه شکلی هست؟

By all means, but I don't know what he looks like?

تابلوئه.

You can't miss him.

موهای فر داره با ریش بزی.

He has got curly hair with goatee.

می دونی داری در مورد چی صحبت می کنی؟

Do you know what you are talking about?

می شه یه لطفی در حقم بکنی؟

Could you do me a favor?

دستم بندهاتو کردن لباسهاست، می شه این غذا رو برسونی دست پدرم طبقه دوم؟

I am up to ironing the clothes, could you take this food over to my father on the second floor?

می دونی توی کدوم قسمت کار می کنه؟

Do you know which department he works in?

چه اشتباهی کردم؟

What a mistake I have made?

نفهمیدم چرا پدرت من رو دعوت نکرده؟

ا didn't understand why your father hadn't invited me? اين جمله محشره

این جمله محشره ترکیب گرامر درس و درس

چقدر زمان زود می گذره

How time flies?

يادش بخير اون روزها!

Those were the days.

شروع كنيم؟ شروع كنيم. سؤالي داري؟ سؤالي ندارم. شروع كنيم.

Shall we start? Let's start. Have you got any questions? I haven't got any questions. Let's start.

Vocabulary

فر

Curly

ریش بزی

Goatee

دستم بنده

I am up to doing something.

کار مهمی برام پیش اومده

Something important has come up to me.

با کمال میل By all means

2-I heard someone shouting for help conversation

Context

چه اتفاق افتاد؟

What happened?

چه اتفاقی افتاده؟

اولی: مثلا وقتی داری خاطره تعریف میکنی و بقیه با هیجان مييرسن: خب بعدش چي شد؟ چون اتفاق در گذشته افتاده و تموم شده و اثرش به حال نرسیده دومی: مثلا موقعی که میای خونه می بینی خونه بهم ریخته است به بچه هات میگی...ا چون اثر اتفاق تا به حال باقی مانده

What has happened?

چه اتفاقی برات افتاد؟

What happened to you?

چه اتفاقی برای مادرت افتاد؟

What happened to your mother?

چه اتفاقی برای برادرت افتاد؟

What happened to your brother?

چه اتفاقی برات افتاد موقیکه ماموریت بودم؟

What happened to you while I was on the mission?

برای دوستت چه اتفاقی افتاد؟

What happened to your friend?

براي پسرت چه اتفاقی افتاد؟

What happened to your son?

ابتدا این گرامر از ترم¹ داشتم توی خیابون راه می رفتم، سیگار می کشیدم که یهو برادرت من رو دید.

I was walking along the street, smoking cigarette when suddenly my brother saw me.

داشتم توی خیابون راه می رفتم، به ویترین مغازه ها نگاه می کردم، با خودم فکر می کردم که یهو برادرم بهم زنگ زد.

I was walking along the street, looking at the shop windows, thinking to myself when suddenly my brother called me.

توی مهمونی نشسته بودم، داشتم دست می زدم، با پدرم صحبت می کردم که یهو پنفر ازم درخواست رقص کرد.

I was sitting at the party, clapping, speaking to my father when suddenly someone asked me to dance.

توی کلاس نشسته بودم، تقلب می کردم یهو معلمم زد رو شونه ام.

I was sitting in the class, cheating when suddenly my teacher tapped me on shoulder.

توی کلاس نشسته بودم، تقلب می کردم، با دوستم صحبت می کردم یهو معلمم مجم رو گرفت.

I was sitting in the class, cheating, speaking to my friend when suddenly my teacher caught me red-handed. get != catch

مجت رو گرفتم.

سمت چپی ماهیت گرفتن است(گرفتن نان، گرفتن سی دی از مغازه و ...)ا سمت راستی: گرفتن با دست است catch my hand to cross the street

I have caught you red handed.

چجوری مچ من رو گرفتی؟

How did you catch me red handed?

داشتم توی خیابون راه می رفتم، به ویترین مغازه ها نگاه می کردم یهو پنفر رو دیدم غرق خونه.

I was walking along the street, looking at shop windows when suddenly I saw someone in the pool of blood.

داشتم توی خیابون راه می رفتم، سیگار می کشیدم یهو برادرم رو دیدم داشت گریه می کرد.

I was walking along the street, smoking cigarette when suddenly I saw my

brother crying.

برادرم من رو دید رفت.

My brother saw me go.

شنیدم پنفر در زد.

I heard someone knock the door.

فقط با گذشته ساده مباد hear هم با گذشته ساده هم با حال کامل **See** اما ولى در اين درس فرض كرديم قيد زمان داريم پس همه را با **28** @ freez گذشته ساده اوردیم

see, hear قانون افعال حسى بعد از این افعال حتما، یک مفعول و سیس یک فعل دوم میاد. فعل 2 حالت داره: ا حالت اول: گذشته ساده: فلانی را دیدم که یه فعلی را کرد i saw my brother go فعل دوم به صورت بیس فرم میاد نه گذشته ساده

حالت دوم: گذشته استمراری: فلانی را دیدم که داشت یه فعلی را میکرد

فعل دوم به صورت وینگ میاد نه گذشته استمراری I saw my brother crying

او را دىدم كه داشت گرىه مىكردI saw her crying

او را دیدم که گریه کردI saw her cry

او را شنیدم که داشت گریه میکردI hear her crying

او را شنیدم که گریه کردI hear her cry

شنیدم پنفر داشت در می زد. I heard someone knocking the door. دیشب دیدم مادرت بیرون رفت. I saw your mother go last night. دیشب دیدم مادرت داشت می رفت. I saw your mother going last night. شنيدم ينفر جيغ كشيد. I heard someone scream. شنیدم پنفر داشت چیغ می کشید. I heard someone screaming. دیروز دیدم په نفر به پدرت شلیک کرد. I saw someone shoot your father yesterday. دیروز دیدم ینفر به پدرت داشت شلیک می کرد. I saw someone shooting your father yesterday. دستم رو بگیر از خیابون ردم کن. Catch my hand to cross the street get != catch سمت چپی ماهیت گرفتن است(گرفتن نان، گرفتن سی دی از مغازه و ...)ا شکی درش نیست. No doubt in it. دیشپ دیدمت منشیت رو پوس کردی. I saw you kiss your secretary last night. دیشب دیدمت داشتی منشیت رو بوس می کردی. I saw you kissing your secretary last night. اتاقم نشسته بودم، تولویزیون می دیدم یهو شنیدم ینفر راه رفت. I was sitting in my room, watching T.V when I heard someone walk. اناقم نشسته بودم، تلویزیون می دیدم یهو شنیدم ینفر داشت راه می رفت.

I was sitting in my room, watching T.V when I heard someone walking.

کنار ساحل دراز کشیده بودم، به رادیو گوش می کردم یهو شنیدم ینفر داره برای کمک <mark>داد</mark> می زنه.

I was lying on the beach, listening to the radio when suddenly I heard someone shouting for help.

کنار ساحل دراز کشیده بودم، به رادیو گوش می کردم یهو شنیدم یکی برای کمک داد زد.

I was lying on the beach, listening to the radio I heard someone shout for help.

چیکار کردی؟

What did you do? ابتدا مكالمه قيد زمان رو مشخص كرديم

بالا پریدم، به سوی دریا نگاه کردم، یه پسر کوچولو رو دیدم داشت دستش رو توی هوا د. تکون می داد.

I jumped up, looked out to sea, I saw a little boy waving his arms in the air.

بالا پریدم به آنسوی جزیره نگاه کردم.

I jumped up, looked out to island.

بالا پريدم، بيرون دويدم.

I jumped up, ran out.

بالا يريدم، بيرون رفتم.

I jumped out, went out.

یه پسر کوچکی رو دیدم دستش رو بسمتم تکون داد.

I saw a little boy wave his arm to me.

یه پسر کوچکی رو دیدم داشت شنا می کرد.

I saw a little boy swimming.

بالا پریدم، پنجره رو باز کردم یهو یه دختر زیبا رو دیدم بهم داشت چشمک می زد.

I jumped up, opened the window when suddenly I saw a beautiful girl winking at me.

بعدش چیکار کردی؟

What did you do next?

چرا لباسهات رو در آوردی؟

Why have you taken off your clothes?

باهام می آیی؟

تیک اف هواپیها take off در اوردن لباس کدینگ: لباس باید بعد در اومدن روی مبل تیک اف کنه

Are you coming with me?

لباسهام رو در آوردم، خیلی خسته هستم.

I have taken off my clothes, I am so tired.

چرا پدرت لباسهاش رو در آورد؟

Why did your father take off his clothes?

لباسهام رو الله شام در آوردم.

I took off my clothes before dinner.

تی ایراهه و ساعتم رو در آوردم و <mark>پریدم توی</mark> آب.

I took off my shirt and my watch and jumped into the water.

ینفر پریده توی آب.

Someone has jumped into the water.

چرا نمی پری توی آب؟

Why don't you jump into the water?

Vocabulary

سكانس

Sequence

شاهد

Witness

گرفتن

Catch

مچ

Wrist

نگاه کردن بسوی

Look out to

نگاه کردن به

Look at

مچ کسی رو گرفتن

To catch someone red handed

تكان دادن / تكان خوردن

Shake

تکان دادن

Wave

پوشیدن

Wear

در آوردن لباس

Take off

Conversation text

A: What happened?

B: Well, I was lying on the beach, listening to the radio when suddenly I heard someone shouting for help.

A: So, what did you do?

B: I jumped up, look at the sea, I saw a little boy waving his arm in the air.

A: What did you do next?

B: I took off my shirt and my watch, jumped into the water.

A: And then what did you do?

B: I swam toward the boy, I held him so that his head stayed above water. I brought him back to shore.

A: Well, that sounds like it was an experience.

B: It certainly was.

3-The hotel seems very large

Context

و بعدش، چیکار کردی؟

And then, what did you do?

بسمت يسره شنا كردم.

I swam toward the little boy.

بسمت باغ دويدم.

I ran toward the garden.

بسمت باغ نگاه کردم.

I look out to the garden.

بسمت در رفتم.

I went toward the door.

بسمت پسره شنا کردم.

I swam toward the boy.

بسمت جزيره شنا كردم.

I swam toward the island.

چاره ای نبود.

There was no way out.

چاره ای نیست.

There is no way out.

مجبور بودم بسمت قايق شنا كنم.

I had to swim toward the boat.

بسمت پسره شنا کردم، جوری گرفتمش که سرش بالای آب بمونه. به ساحل برش

اول جمله SO پس، بنابراین، چونکه پس، بنابراین، چونکه اینچنین SO پنجینی i think so, i don't think so, i hope so so تول صفت SO قید تشدید است(بسیار) قید تشدید است(بسیار) پین دو جمله SO بین دو جمله bring back بین دو جمله So بین دو جمله جوریکه

toward, out to هر دو به معنی به سمت و به سوی toward برای افعالی که حرکت دارند run toward, go toward, out برای افعالی که حرکت ندارند look out to. I swam toward the boy, I held him so that his head stayed above water. I brought him back to shore.

دارو رو توی پخچال نگه دار.

keep نگهداری کردن نگه داشتن با دست hold

اول جمله SO

قبل صفت SO

پس، بنابراین، چونکه اینچنین SO

قید تشدید است(بسیار)ا بین دو جمله SO

په طوريکه، په جوريکه

i think so, i don't think so, i hope so

هم بگی so that میتونی so در این حالت به جای

ا am gonna hit you so that جوری بزنمت که ناصر

Keep the drug in refrigerator.

hold the weapon/gun keep children in safe

چکش رو بگیر.

Hold the hammer.

نردبان رو بگیر.

Hold the ladder.

نردبان رو نگه داشتم.

I have held the ladder.

دیشب نردبان رو نگه داشتم.

I held the ladder last night.

می شه در رو <mark>جوری</mark> ببندی که نتونه بازش کنه؟

Could you lock the door so that he can't open it?

در رو یجوری قفل کردم که نتونه بازش کنه.

I have locked the door so that he can't open it.

مادرت یجوری باهام صحبت کرد که من مقصرم.

Your mother spoke to me so that I was guilty.

قفسه سینه اش رو نگه دار یجوری که بتونه نفس بکشه.

Hold his chest so that he can take a breath.

می شه برام بیاریش؟

Could you bring it me?

چرا به خونه برش گردوندی؟

bring back into برگرداندن

come back != get back != bring back

Why have you brought him back into the house?

ديشب اينجا برش نگردوندم.

I didn't bring him back here last night.

انگاری خسته ای.

You look tired.

انگاری عصبانی هستی.

You look angry.

انگاری خوشحالی هستی.

You look happy.

انگاری هتل خیلی بزرگ بنظر می رسه. (دیداری)

The hotel seems very large.

انگاری پدرت خسته بنظر می رسه. (دیداری)

Your father seems tired.

انگاری هتل خیلی بزرگ بنظر می رسه. (شنیداری)

The hotel sounds very large.

انگاری فیلم ترسناک بنظر می رسه. (شنیداری)

The film sounds horror.

انگاری شور بنظر می رسه. (چشایی)

It tastes salty.

انگاری ترش بنظر می رسه. (چشایی)

It tastes sour.

انگاری تلخ بنظر می رسه. (چشایی)

It tastes bitter.

شنونده داستان خطاب به گوینده داستان در مکالمه انگاری به تجربه بنظر می رسه.

That sounds like it was an experience.

انگاری یه <mark>تجربه تلخ</mark> بنظر می رسه.

That sounds it was a bitter experience.

انگاری زمانی استفاده میشه که چیزی در ذهنت درباره طرف مقابل خطور میکنه انگاری دیداری seem, look انگاری شنیداری مثلا من یه مطلب راجب زیبایی مریخ میشنوم میگم انگاری مریخم واقعا قشنگه هااا

انگاری چشاہی taste

Vocabulary

شنا كردن بسمت

Swim out to/toward

نگاه کردن به

Look out to

بر گرداندن

Bring back

قسمت خیس ساحل (قسمتی که آب می آد و بر میگرده)

Shore

قسمت ماسه ای

Beach

قسمت يشت ماسه

Coast

كل ساحل (هر سه قسمت)

Sea side

چاره ای نبود.

There was no way out.

چاره ای نیست.

There is no way out.

Proverb

نونت توو روغنه.

Your bread is buttered on both sides.